[38] مجروح شده بود را روی تختی خواباندند وبه مدائن بردند (1). بار سوم با خنجر در وقت نماز به آن حضرت حمله کرده ومضروبش ساختند. امام در برابر این حوادث آنچه پیش آمده بود امام را در وضعیتی سخت قرار داد، برای تصمیم گیری در برابر آنچه بوقوع پیوسته بود گروهی از سران وبزرگان را دعوت کرد وبرای ایشان سخن گفت وزیانهای صلح با معاویه را بر شمرد، ولی گفتار امام اثری نمی بخشید وآنان از فرصت معالجهء امام استفاده کرده وبرای پیوستن فضاحت بار به معاویه بیشتر تلاش می کردند، وضع امام در این موقعیت موجب سرگردانی وحیرت بود، از يك سو مبارزه با معاویه جهادی واجب می دید، واز سوی دیگر از هم پاشیدگی وروحیهء خیانت آمیز سپاهیان را می نگریست، با اینکه از اصلاحشان نا امید بود باز خواست يك بار دیگر میزان پایداریشان را در صورت وقوع جنگ بیازماید از اینرو برای آنان خطبه خواند، هنوز خطبه امام پایان نیافته بود که از هر سو فریاد سپاهیان برخاست: زنده می مانیم زنده می مانیم. امام پس از این ماجرای دردناك دانست که اگر بخواهد با معاویه بجنگد تنها ودست خالي می ماند، با مشاهدهء چنین موقعیت سیاه و دردناك امام مصلحت را در پذیرش صلح دید وبیش از آنکه فاجعه أي ننگین پیش آید در قبول آن شتاب ورزید. _____ 1 - ارشاد المفید: 170. (*)

_____